

سفارت و پادگان تفنگداران دریایی آمریکا، در واقع پس از ربوده شدن پرواز شماره ۸۴۷ هواپیمایی ترنس ولد ایرلاینز در ماه ژوئن سال ۱۹۸۵ به وجود آمد. مغنیه آن سال در یک دادگاه آمریکایی به نقش داشتن در این عملیات هواپیماری و قتل رابرت استتم، غواص آمریکایی متهم شد. رزومه بلندبالای مغنیه در انجام عملیات پس از سال ۱۹۸۵ بود که بسیاری را به این باور رساند که حتماً مغز متفکر حملات سال ۱۹۸۳ هم او بوده است. یکی از مأموران بازنشسته سی آی ای در این باره می گوید: «هر وقت مردد بودی و ماهمیشه در این مورد تردید داشتیم - مغنیه را مقصر بدان.»

به هر ترتیب، اگرچه چیزهای زیادی در مورد مغنیه گریز یا وجود دارند که نمی دانیم، اما این را می دانیم که مدتی پس از عزیمت عرفات از بیروت در ماه آگوست سال ۱۹۸۲، مغنیه خدمات خود را به نیروهای سیاسی شیعه لبنانی پیشنهاد داد: «حزب الله»، به معنای «حزب خدا». یک گروه مقاومت شیعه سایه وار به نام «امل اسلامی» تاسستان آن سال با الهام از انقلاب ایران شکل گرفته بود. یک گروه دیگر، یعنی سازمان جهاد اسلامی نیز احتمالاً همان سازمان تحت یک نام دیگر بود. سرانجام هر دوی این حزب ها با هم ادغام و تبدیل به آن چیزی شدند که امروز آن را حزب الله می نامیم. اواخر سال ۱۹۸۲ هر گروه مقاومت شیعه عملاً بازوی سپاه پاسداران ایران بود. مغنیه هم با ارائه خدمات خود به امل اسلامی، قصد داشت برای سپاه پاسداران کار کند.

به گفته «هلا جابر» خبرنگار لبنانی - انگلیسی [که سال ۱۹۹۷ کتاب «حزب الله به دنیا آمده با حس انتقام» را نوشت، مغنیه کاملاً به واقعیت های سازمان آزادی بخش فلسطین پی برده [و از آن قطع امید کرده] بود و ربه سوی سازمان تازه وارد سپاه پاسداران ایران آورد. جابر می نویسد سپاه پاسداران ابتدا به مغنیه مأموریت داده است تا اطلاعات و جزئیاتی را درباره سفارت آمریکا جمع آوری کرده و نقشه ای بکشد که حداکثر تأثیر [و تخریب] را تضمین کند و اثری هم از عامل عملیات باقی نگذارد.

و محقق آمریکایی ساکن بیروت [و عرفات بود که در آن، جانت به عرفات التماس کرد که بیروت را ترک نکند؛ و البته مغنیه به شدت تحت تأثیر قتل عام صبرا و شتیلا در ماه سپتامبر سال ۱۹۸۲ نیز قرار گرفت. بنابراین انگیزه های زیادی داشت.

با همه این ها، ماه آوریل سال ۱۹۸۳ مغنیه تنها بیست سال داشت. چنان که رابرت بائر در کتاب خاطرات خود می پرسد: «چگونه ممکن است پسری فقیر از «عین الحلو» [اردوگاه پناهندگان فلسطینی در لبنان] از خاکستر حمله سال ۱۹۸۲ [اسرائیل به جنوب لبنان] برخاسته و در کمتر از یک سال، مرگبارترین عملیات های جهان را سازمان دهد؟» بائر صرفاً به مسأله ای اشاره می کند که بدیهی است این شواهد [و ادعاها درباره نقش مغنیه در بمب گذاری پادگان تفنگداران دریایی] با هم تناسب نداشتند. به نظر می رسد مغنیه در سن بیست سالگی جوان تر از آن بوده است که مغز متفکر بمب گذاری در سفارت بوده باشد؛ اگرچه طی دهه های بعد، مغنیه به شکل جدی به انجام همه نوع حملات متهم شد. سی آی ای او را متهم به نقش داشتن در فهرست بلندی از حملات طی مدت ۲۵ سال کرده است:

۲۳ اکتبر ۱۹۸۳ بمب گذاری در پادگان تفنگداران دریایی در بیروت که جان ۲۴۱ سرباز آمریکایی را گرفت؛ ۱۶ مارس ۱۹۸۴ ربودن «ویلیام باکلی» رئیس دفتر سی آی ای در بیروت که در اسارت مرد؛ ۲۰ سپتامبر ۱۹۸۴ بمب گذاری در ساختمان پیوست سفارت آمریکا در بیروت؛ ۱۴ ژوئن ۱۹۸۵ ربودن پرواز شماره ۸۴۷ «ترنس ولد ایرلاینز» و قتل «رابرت استتم» غواص عضو نیروی دریایی آمریکا (اثر انگشت مغنیه روی هواپیما پیدا شد)؛ دهه ۱۹۸۰ ربودن ده ها شهروند غربی در لبنان؛ ۱۷ مارس ۱۹۹۲ بمب گذاری در سفارت اسرائیل در بوئنوس آیرس که باعث کشته شدن ۲۹ نفر شد؛ ۱۸ جولای ۱۹۹۴ بمب گذاری در یک مرکز فرهنگی یهودیان در آرژانتین که منجر به کشته شدن ۸۶ نفر شد؛ ۲۵ ژوئن ۱۹۹۶ بمب گذاری در برج های «خبر» در عربستان سعودی که موجب کشته شدن ۱۹ سرباز آمریکایی شد.

اگر بمب گذاری ها در سفارت آمریکا و پادگان تفنگداران دریایی را هم حساب کنید، مغنیه تا پیش از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به خاک آمریکا توسط القاعده تحت رهبری اسامه بن لادن، بیشتر از هر کس دیگری آمریکایی کشته بود. با این وجود، نظریه دست داشتن مغنیه در بمب گذاری های

هم در حاله ای از ابهام است. برخی روایت های می گویند ۱۲ جولای ۱۹۶۲ در روستای «طیر دبا» در جنوب لبنان به دنیا آمد. با این حال، به نظر می آید مغنیه تمام روایت های رسمی درباره خودش را خودش مهندسی کرده باشد. وی ممکن است ۲۵ ژانویه ۱۹۶۲ در «الجوار» محله ای فقیرنشین در حومه جنوبی بیروت به دنیا آمده باشد. فرزند خانواده ای فقیر و شیعه بود که از نسل ها قبل روزگار خود را از طریق یک باغ کوچک از درختان زیتون و لیمو می گذراندند. مغنیه در مناطق فقیرنشین جنوب بیروت بزرگ شد که با «صبرا» و «شتیلا» دو اردوگاه آوارگان فلسطینی هم مرز بودند. او و خانواده اش در خانه ای ساده زندگی می کردند که با بلوک های سیمانی ساخته شده و حتی آب لوله کشی هم نداشت. مغنیه سال ۱۹۷۶ در سن چهارده سالگی همراه با برخی از دوستانش به یک اردوگاه آموزشی دانش آموزی «فتح» در نزدیکی شهر «دامور» در ساحل جنوبی لبنان پیوستند. یک افسر اطلاعاتی فتح به نام «انیس نقاش» مدیر این دوره آموزشی بیست روزه بود. مغنیه احتمالاً مدت کوتاهی را هم در رشته تجارت «دانشگاه آمریکایی بیروت» تحصیل کرده بوده است. در بحبوحه جنگ داخلی لبنان، وقتی اسرائیلی ها برای نخستین بار به لبنان حمله کردند، به خدمت «یگان ۱۷»، نیروی ویژه «علی حسن سلامه» [فرمانده عملیات گروه شبه نظامی فلسطینی «بلک سپتامبر»] درآمد. ممکن است مغنیه در یک مقطع، از آموزش های ارائه شده توسط سی آی ای با هدف «حرفه ای سازی» یگان بادیگارد شخصی یاسر عرفات نیز بهره برده باشد، چرا که مدتی به عنوان بادیگارد یاسر عرفات خدمت می کرد. وی هم چنین به عنوان تک تیرانداز در امتداد «خط سبز» مرزی میان شرق و غرب بیروت نیز جنگیده بود. اولین سفرش به ایران پس از انقلاب در سال ۱۹۷۹ بود. برخی روایت ها حاکی است که مغنیه سال ۱۹۸۰ در معیت آیت الله فضل الله از روحانیون برجسته شیعه در آن زمان، به سفر حج رفت. مانند بسیاری از جوان های شیعه لبنانی، مغنیه هم سال ۱۹۷۸ پس از آن رو به افراط گرایی آورد که امام موسی صدر روحانی کاریزماتیک شیعه لبنانی به شکل مرموزی طی سفر به لیبی ناپدید شد. محاصره بیروت توسط اسرائیلی ها در تابستان سال ۱۹۸۲ نیز موجب افزایش انگیزه بیشتر مغنیه شد. وی همچنین شاهد صحنه احساساتی ای میان «جانت لیاستونز» [خبرنگار، فعال حقوق بشر